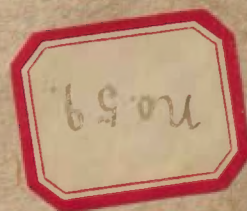


Various
Fragments

A 31/11



شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ

کواهی دم بر تنهائشان و یقینت شاند

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى

زندگانی اینجهان و کواهی دارند

أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

تنها بخود که ایشان بودند ناکرویدگان

ذَلِكَ أَنْتَ لَيْتَ رَأَيْتَ

انست که نه باشد خداوند

مَهْلِكِ الْقَرَىٰ بِظُلْمٍ

هلاک کننده ریشی را بستم

وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ وَلِكُلِّ

واهلانرا غفلان و هر یکی را

رَجَاةٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا

با یکا بمما بود از اینج کردند و نیست

رَبِّكَ بِخَافٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

خداوند تو خاف از این میکند

وَرَبِّكَ الْغَنَى ذُو الرَّحْمَةِ

و خداوند تو غنی نیازیست با بخشایش

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ

اگر خواهد ببرد شما و بپای کند

مَنْ يَخْلَفُكُمْ مَّا يَشَاءُ مَكَانًا

از پس شما آنچه خواهد جنانکه

أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ قَوْمًا

خواهد شما را از فرزندانم و گروه

أَخِيْرَتِ إِنْهَا تُوعَدُونَ

دیکران هرینه و وعده کرده شوید

لَا تَ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

آمد نیست و نیستند شما از دست کنندگان

قَلِيلًا قَوْمًا عَمَلُوا عَلَي

بر بگو ای گروه یکنید

مَكَانَتَكُمْ إِنِّي عَامِلٌ

جایگاه خود که من بکند کاری کنم

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مِنْ

زود باشد که بدانید هرگاه

تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ

باشد بر او سرانجام آنگاهان سرا

إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

که او را ندهد شتمکاران را

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

و بکرد خدای

مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ

از آنچه بپاشید از کشت

وَالْأَنْعَامِ نَجِيبًا فَقَالُوا

و چهار بایان بحوی بس گفتند

هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا

این مرخدا یا است بگفتارشان و ایست

لشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ

مرانیان ما بس بود

لشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى

مرانیان شانرا بس نرسد سویی

اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ

خدا بی و نه بود مرخدا یا

فَقَوْصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ

بس ایست برسد سویی اینان شان

سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ وَلَكِنَّ

بایست ای حکم کند و همچنین

زَيَّاتٍ لِّكَتِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

بیاراست مومسیاری از انبازارندگان

قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ

کشتن فرزندانیشان انبازان سائل

لِيُرَدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِم

تا هلاک کنندشان و یا بپوشانند برایشان

دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا

درین ایشان و اگر خواهد خدای تعالی

فَعَلَوْهُ قَدْ هَمُّ وَمَا يَفْتَرُونَ

بکردند انرا و در همت دارند و آنچه دروغ ساختند

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرَّتْ

و گفتند اینست چهاربایان و گشتی است

جَدُّ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن

بازداشته نه خورند انرا مگر انک

نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ

خواهد برعوی نشان و چهار پایان

حَرِّمَتْ ظُهُورَهَا وَأَنْعَامٌ

حرام کرد شد بشقفا و شانرا و چهار پایان

لَا يَنْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ

یاد نکنند نام خدای

عَلَيْهَا افْتَرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ

بران دروغ برو زود یاداش شانرا

بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بدانچه بودند دروغ می ساختند

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ

و گفتند اینج در شکمها این

الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذِكْرِنَا

چهار پایان یکان مرغم را

وَمَحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَأَنْثَىٰ

وحدام کرده بر زنان شمارا واکر

يَكُن مَمْنُونَةً فَهُمْ فِيهِ

باشند موده بر ایشان درو

شُرَكَاءُ سَبَّحْنَاهُمْ وَصَفَّوْهُمُ

ایشانرا زود بادا ششمارا و صفا کردند ششمارا

إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ قَدْ

که اوست حکیم تر دانا بدین

خَسَدَ الْيَتَامَىٰ قَتَلُوا أَوْلَادَ

زبان کردند آنانکه یکشتند فرزندان

سَفَهَا بِخَيْرِ عَالَمٍ وَحَرَّمُوا

بی خردی بی دانی و حدام کردند

مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتَدَىٰ

آنچه روزی شمارا خدای دروغ

عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا

بر خدای درستی گمراه شدند و آنچه

كَانُوا يَمْتَحِنُونَ وَهُوَ

بودند راه یافتگان و او است

الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ

ای که بیا فرید بوستانها

مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ

چریده و غیر

مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلِ وَاللِّدَعِ

درختان میوه دار و خرما نیان ناهموار

مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونِ

کونا خوردن او و زیتون

وَالرَّمَّاتِ مُتَشَابِهًا

و انار مانند یکدیگر

وَعَيِّرْ مُتَشَابِهَهُ ^طكُلُوا

وجز مائده يكديگر بخورید

مِنْ ثَمَرَةٍ إِذَا أَثْمَرَ

از میوه چون میوه

وَأَنْتُوا حَقَّةُ يَوْمٍ خِصَالِهِ

و ببلبل حق وی روز در وی

وَلَا تُشْرَفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

و نه داند اندر مدارید که او ست دوست ندارد

الْمُسْرِفِينَ وَمِنَ الْأَنْعَامِ

از حد گذرندگان و از چهارپایان

حَمُولَةٍ وَفَرَشَاتٍ كُلُوا مِمَّا

بار برندگان بازندگان بخورید از اینج

رِزْقِكُمْ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا

روزی داد کار خدای و بسوی مکنید

خَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ

بدیها دیو که اوست

لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ثَمَانِيَةَ

مرشمارا دهم بیلا هشت

أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّالِّينَ

جفت از گوسندان دو

وَمِنَ الْمُحْزَنِينَ

وازد دو

قُلِّدَ الذَّكَرَيْنِ حَرَمَ

بگو که دوتن حرام کرد

أَمَّا الْأُنثَيَيْنِ أَمَا أَشْمَلَتْ

یا دو ماد اکامی کرد اندر گرفت

عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ

بود زهدایا دو

بَيِّنُونِي بِعِلْمِ أَنْتُمْ

اگاهي دهند بدانند اگر هستند شما

صَادِقِينَ وَمِنَ الْإِبِلِ

راست گويان و از ابله

اَنْثَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اَنْثَيْنِ

دو و از شتر دو

قُلْ الزَّكَاةُ حَرَمٌ

بگو زكوة حرام است

أَمَّا اَنْثَيْنِ أَمَّا اَشْتَمَلَتِ

يا دو ماده اگاهي كرد انك دقت

عَلَيْهِ اَزْحَامُ الْاَنْثَيْنِ أَمَّا

برو زهدانها دو يا

كُنْتُمْ شُهَدَاءَ اِذْ وَصَّيْكُمْ

هستيد شما بجا چون انك وصي شما

اللَّهُ بِهَذَا فَهَمَّ أَظْلَمُ

خدای بدین بسوگست ستمکارتر

هَمَّ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ

از آنک بساخت بر خدای

كَذَبًا يُضِلُّ النَّاسَ

دروغ مردمان

بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا

بی علم داشت که خدای نه

يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

راهد نماید مرکوه ستمکاران

قَلَّ أَجْدُ فِيمَا أَوْحَى

بگو در آنچه وحی کرد

إِلَى مَعْرَمًا عَلَى طَاعِمٍ

سوی صدام کرده بر خورد

أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا

تنها نشان و گم شد ایشان را آنچه بودند

يَقْتَرُونَ إِنَّكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

همه یافتند بدستی که خداوند شما قوای

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

الک بیاورد آسمانها

وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

و زمین در شش روز

ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ

پس ایستاد بر تخت

يَخْتِی اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ

می نماید شب را روز می نماید

حَيْثُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

جستافت خورشید و ماه

وَالْجُودُ وَالْجُودُ ^{بیا} خَرَاتِ بِأَمْرِ ^{مستور}

وشتارگان مسعود بفرمان او

أَلَا اللَّهُ الْخَلْقُ وَالْآمَرُ ^ط تَبَارَكَ

لیست او را از هر چه و فرمودن برکت است

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

خدای خداوند جهانیان

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا

بخواندش خداوند را بزاری کردن

وَحَقِيقَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ

دوستان که او مت دوست ندارد

الْمُتَعَتِّتِينَ وَلَا تَفْسِدُوا فِي

از حد کردنندگان و تباه کاری مکنید در

الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ^ط

زمین پس خوب کردن آنرا

وَادْعَوْهُ خَوْفًا وَطَمَعًا طَات

و بخوانید او را بیم امیدوار گردانید

رَحِمَتِ اللّٰه قَرِيبٌ مِّنْ

رحمت خدای نزدیک از

الْمُحْسِنِينَ وَهُوَ الَّذِي

نیکوکاران و اوست انانکه

يَرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ

بفرستد بادها مژده دهند میان

يَدَيْهِ رَحْمَتُهُ حَتَّىٰ إِذَا

پیش و رحمت خود تا خون

أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سَقْنَاهُ

بردارد باد آبری گران برانهمش

لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ

سرای زمین مرده بر و فرستیم بدان آب

فَاُخْرِجْنَاهُ مِنْ كُلِّ

بِس برون اور کیم ان از هر

الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ تَخْرِجُ

بهر برون هر همچین بیرون از

الْمَوْتِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

مردگان را تا مگر شما بتذکرند

وَالْبَلَدِ الطَّيِّبِ تَخْرِجُ نَبَاتَهُ

وزمین پاکیزه باشد گیاه وی

بِأَذْنِ رَبِّهِ ط وَالَّذِي خَبِثَ

بفرمان خداوند و آنکس که پلید وی

لَا تَخْرِجُ إِلَّا نَكَلًا كَذَلِكَ

بسیار نیکو مگر حقین همچین است

نَصْرُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُشْكِرُونَ

بلند دانیم آیتها را مگر وهارا سپاسداران

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ

بدست کسی که فرو فرستاد نوح را کرده او

فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

ای کرده بپرستید خدایا

مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ

نیست مرشمارا از خدای جز او

الَّذِي تَخَافُونَ عَلَيْهِ عَذَابَ

که من می ترسم بر شما عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ قَالَ أَتَلَا مِنْ

دور بزرگ گفتم بزرگان از

قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ فِي ضَلَالٍ

کرده وی که ما می بینیم ترا در گمراهی

مُبِينٍ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي

بر بیا گفتم ای کرده من نیست

ضَالَّةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ

گمراهی و اینک من پیغامبر از

رَبِّ الْعَالَمِينَ أَيْبَغُكُمْ

خداوند جهانیان بر شما

رِسَالَاتٍ رَّحِيْبَةٍ وَأَنْصَحْ

پیغامها، خداوند خود و نصیحت میکنم

لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ

موشمارا و بدانید از خدا

مَا لَا تَخْلُفُونَ أَوْ عَجِبْتُمْ

آنچه میدانید شما یا عجب شما را

أَنْبِئْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

که بیاورم شما را بپنداری از خداوند شما

عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ

بر مردی از شما تا بیم کند شما را

وَلِيَسْأَلَكُمْ

وَلَنَسْفُقُوا وَلَعَلَّكُمْ تَرْجُمُونَ ۝

فَكَذَّبُوهُ فَأَخْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ

مَعَهُ فِي الْفَلَكَ وَأَغْرَقْنَا

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا ۝

قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا

مَا لَكُمْ مِنَ الْغَيْرَةِ أَفَلَا
تَتَّقُونَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا
لَنُرِيدُكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا
لَنُظَنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ
وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ

هَمَزٌ ذَرْنِ اللّٰهَ ط قَالُوا

از هَمَزِ خدای گفتند

ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَيَّ

که گم شدند از ما و گواهی دادند بر

أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

تنفها و نشان که ایشان بودند ناکرو و بیگان

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ

گفت اندر شوید در گروهها

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ

بدیستی که یکدست از پیش شما

مَمَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي

از مام وادیان در

النَّارِ كَمَا دَخَلْتَ أُمَّةً

آتش هرگاه که اندر گروه

لَعَنَتْ أَخْتَهَا حَتَّى إِذَا لَارَ كُفًّا

لعنت کند بار خود را تا چون رسیدند

فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْتُكُمْ

در آن همه گفتند باز یسینان ایما

لَا فَلَیْهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا

مریسیان خداوند ایشانند دوجندان

فَأَتَتْهُمْ عَذَابًا ضَعِيفًا مِّنَ

بزه ایشانرا عذابی دوجندان از

النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ

اتش گفت مرده ای دوجندانست

وَكُلٌّ لَا تَعْمُوزُ وَقَالَتْ

ولیکن ندانند وگویند

أُولَیْهِمْ لِأَخْتِ بِهِمْ فَمَا كَا

یسینان شان یسینان شان نه بود

لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ

مخوار بر ما از جمع افزون

فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

بمخسید عذاب بدایج بودید شما

تَكْسِبُونَ إِنَّ الَّذِينَ

کار کنندگان که انانک

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا

دروغ بایتها ما و بزدکی کردند

عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ

الان نه نشاند مرا نشان درها

السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

آسمان و نه اندر شوند در بهشت

حَتَّى يُلَاحِظَ إِلَهُكُمُ

تا بدستبرد اشتر در سوزش

ع

الْحَيَاطُ ط وَكَذَلِكَ نَجْزِي

سوزان و همچنین باداش

الْمُجْرِمِينَ لَهْمُ مَن

کناهکاراندا و ایشاندا ان

جَهَنَّمَ هَآؤُا وَمِنْ تَحْتِهِمْ

دو رخ کشتیزان و از زیر ایشان

عَوَاشٍ ط وَكَذَلِكَ نَجْزِي

بوششها و همچنین باداش

الظَّالِمِينَ وَالَّذِينَ آمَنُوا

ستمکاراندا و آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا

و نکردند نیکیها

تَكَلَّفَ نَفْسًا إِلَّا وُسْعًا ن

و اندر خستیم تنی مگر نوایی وی

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

ایشان یاران و همسایگان

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

ایشان در آن جاویدان

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ

و بیرون کشیم آنچه در دلها و شان

مِمَّا غَلَبَتْ قُلُوبُهُمْ

از آنچه که بر دود

خَتَمُوا الْأَنْفُسَ وَقَالُوا

زیر شان ختمها و گفتند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

شکر مر خدا را که راه خود را

لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

بدین راه و ما را که نداشتیم

لَوْلَا أَن هَدَيْنَا اللَّهَ لَقَدْ

اگر نه که راه نمودار را خدای بدرستی که

جَاءَتْ رُسُلَنَا بِالْحَقِّ وَأَوَّلُوا

بیامد پیغامبر خداوند بر آستی و آواز دهند

أَنْ تَكْفُرُوا بِالْجَنَّةِ أَوْ تَكْفُرُوا

که انکسان بهشت و آواز دهند

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَنَادَى

بدانچ یوحید شما بدانید و آواز دهند

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ

یاران بهشت یاران

النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا

دورخ که بدرستی که یافتیم آنچه وعده کرده بود

رُسُلَنَا حَقًّا هَلْ وَجَدْتُمْ مَا

خداوند راست پس چه دید

الحق

وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا

وعدله کرده بشود خداوند ما راست گفتند

نَحْمُ فَادَّتْ مُؤَدَّتْ بَيْنَهُمْ

آری پس آواز دهند آواز دهنده میان ایشان

أَنْ لَعْنَتِ اللَّهُ عَلَيْهِ

که لعنت کند خدای

الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصْلَوْنَ

ستمکاران آنانکه روی بگردانند

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَتَوَلَّوْا

از راه خدای و می کنند

عُوجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

در محامه و ایشان بدانجهان

كَافِرُونَ وَيَنْهَاهُمَا

ناگروندگان و میان آنها

وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ

مردمان

ازان

و برتر

يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا

دعوت

واو از

بینان شان

هر یکی

بشنا بد

أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

درود بر شما

بهشت را که

باران

لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْعَمُونَ

هم امدند

وایشان

بهشت

نزدیک

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ

بشایبها ایشان

باز گردانند

وجون

ثَلَاثًا أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا

کفتند

دو تریخ

با ایندگان

سو می

بَشَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ

گروه

مکرران با

خداوند



الظالمين وناري

ستمکاران و اواز دهند

اصحاب الاعراف رجالا

یاران اعراف مردمانی را

يعرفونهم بسيماهم قالوا

یستاند شانرا و این روی شان گفتند

ما اغني عنكم جمعكم وما

سود نداشت از شما همرا

كنتم تستكبرون

بودید شما بزرگی کردید

اهولا اليت اقسمتم لا

ایشانند انا که سوگند خورد

بيناهم الله بخم ادخلوا

که برساند شانرا خدایه بخایش در نماید

الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا

بیهشت نیست ترس بر شما و نه

أَنْتُمْ تَخْزَنُونَ وَنَارِي

شما اندر خودید و ناری

أَصْحَابِ النَّارِ أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

یاران آتش یاران بهشت

أَنْتُمْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ

که فرود برید بر ما از

الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

آب یا از آنچه روزی دلشمارا خدای

قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَتَمَهُمَا

گفتند که خدای حرام کرد شما را

عَلَى الْكَافِرِينَ الَّذِينَ

بر کافران آنانکه

اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا

بگرفتند دین خود را باغسوس و بازی

وَعَثَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

و بفریفت شانرا زندگانی دنیوی

فَالْيَوْمَ نَنْسِيهِمْ كَمَا نَسُوا

پس امروز فراموش کنیم شانرا چنانکه فراموش کردند

لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا

رسیدن بروزشان این و آن بودند

بِآيَاتِنَا يَتَخَفَتُونَ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ

بایاتهامان میترسیدند و بدرستی که بیاوریم شانرا

بِكِتَابٍ فَضْلَانَا عَلَىٰ عِلْمٍ

قرآن بدید کردیم انرا بر دانش

هَذَا وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

راه راست و رحمت مبرک و همی را که بگروند

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ

نه چشم دارند مگر سرانجام وی

يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ

روز سرانجام گوید

الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلُ

آنانکه فراموش کردند از پیش

قَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا بِالْحَقِّ

بدستی که آوردند پیغامبران خداوند را بر حق

فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَةٍ فَشَفَعُوا

بس نیست ما از کواصتر کنندگان تا شفاعت کنند

لَنَا أَوْ نُرَدِّ فَعْمَلٍ غَيْرَ الَّذِي

ما یا باز گردانند یا بکنیم جز آنکه

كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا

باشیم یا بکنیم بدستی زیان کردند

كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْ تَقْدِيرًا وَاتَّخَذُوا

هر چیز را بر سران برادر کرد انداز کرد و بیکر تقدیر

مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا

از جز او خدا این یعنی نیافرینند چیزی را

وَهُمْ يَخْلُقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

وایشان آفریننده اند و مالک نشوند

لَا أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ

بر تنهای خود زیانی و نه سودی و مالک نشوند

مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نَشُورًا وَقَالَ

مراکله و نه زندگانی و نه قیامت را و گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا آفَكٌ

آنانکه کافر شدند اینست مکر دروغی

وَأَفْتِرَاءٌ عَلَيْهِ قَوْمٌ

ساخته است اول و بیاری که اول برو کرده اند

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ

نه چشم دارند مگر سرانجام وی

يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ

روز که آید سرانجام گوید

الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلُ

آنانکه فراموش کردند از پیش

قُلُوبَهُمْ رَسُلَآئِنَا بِالْحَقِّ

دل‌های بی‌سستی که آوردند پیغامبران خداوند را بر حق

فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَةٍ يُشْفَعُونَ

پس نیست ما را از خواهش کنندگان تا شفاعت کنند

لَنَا أَوْ نُرَدِّ فَعْمَلٍ غَيْرَ الَّذِي

ما را یا باز گردانند یا بکنیم جز آنکه

كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا

باشیم یا بکنیم بدستی زیان کردند

انفسهم

كُلِّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا وَأَخْلَقَ

هر چیزی را اندازه کرد اندازه کرده و برگزید

مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا

از جز او خدا این معنی نیافرینند چیزی را

وَهُمْ يَخْلُقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

وایشان آفریننده اند و مالک نشوند

لَا أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ

مرتبه خود را زیانی و نه سودی و مالک نشوند

مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نَشُورًا وَقَالَ

مراکله و نه زنده گانی و نه قیامت را و گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا آفَكٌ

آفانگ کافر شدند بمنت این مکر دروغی

وَأَفْتِرَاءٌ عَلَيْهِ قَوْمٌ

ساخته است اول و بار دیگر اول برو کرده

أَخَذُوا فَقَدْ جَاءُوا ظُلُمًا وَزُفُرًا

دیکارت پس بکستی بیامان بستی و دروغی

وَقَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبْنَا

و گفتند نوشتها پیشینان است نوشت اند

فِي تَمَلِّي عَلَيْهِ يَكْرَهُ وَأَصْبَحَ

پس لمن اندک می بود بامداد و شبانهگاه

قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي

بگو ای محمد فروستار آنک میباید نهانی که در

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ

آسمانهاست و زمین که او هست

غَفُورًا رَحِيمًا وَقَالُوا مَا هَذَا

امرند بخشایند و گفتند چیست مرند

الرَّسُولُ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي

پیغامبر را میخورد خورش و میرود

يَسْأَلُونَ مِنْكُمْ لَوْ لَدَّاهُمْ قُلُوبٌ

هرون می آیند از شما پناه جسته می گویند

الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَزْماً وَعَزْماً

انانک مخالفت میکنند از فرمان او که

تَصِيبُهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يَصِيبُهُمْ عَذَابٌ

برسلا ایشان استوایی یا برسدشان عقوقی

الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

در آنک مخدایان این در اسمانهاست

وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ

و زمین بلستی بدانند این شما بروهستی

وَيَوْمَ يُزْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا

و آنروز که باز گردانند ایشانرا و بگویند بیکاهان

عَمَلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

از آنکه و خدای هر چیزی داناست

سورة القدر و سوره النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بتام خلای مهربان بخشاید

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ
 بزرگ است از خدای که فرو فرستاد قرات

عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ
 بر بنده خود تا باشد مرجها باشد

نَذِيرًا ۚ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
 بیم کننده از خدای که مراور بادشاهی است

وَالْأَرْضِ ط وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ
 و زمین و نه گرفت فرزندی و نه

يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ
 و نیاشد را در انبازی در بادشاهی و نیاشد

فَتَيَّا يَكْمُرُ عَلَى الْبُخَّارِ انْزَارَتْ

برستاران خود را بر ناپاکاری اگر خواهند

تَصْنَاً ابْتَهَجُوا عَرْضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

تا بگویند مشاع نرنگانی جهان

وَمَنْ يُكْرِهْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ

وهر که دشوار کند ایشان را پس بگویی که کار از پس

إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَلَقَدْ

دشوار داشتن ایشان آمرزنده بخشنایند و بگویی که

أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَمَثَلًا

فرستادیم منویشما نشانیها پیدا و داستان

مِمَّنْ الْأَنْبِيَاءُ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً

از آنانکه پیش از شما بودند و پیش از شما و تذکره

لِلْمُتَّقِينَ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

مردم پرهیزکارانرا بخدا عزوجل روشنکننده آسمانهاست و زمین

مَثَلُ نُورٍ كَشَكْوَةٍ فِيهَا مَصْبَحٌ

داستان نور چون روزی است در آن جزایع

الْمُصْبِحُ فِي زَجَاجَةٍ أَلَّا حَاجَةً

و آن جویغ در سبیشه و آن آبگینه

كَأَنَّهَا لَوْ كَتَبَ رَبِّي بِقَوْلِهِمْ

چنانستی که آن ستاره دوست است آفرودان

شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ

درختی بابرکت درخت زیت نه شرقی

وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادَ زَيْتُهَا يَضِيءُ

و نه غربی فراست روغن آن روشن کند

وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ

و اگر چه نه سردا ورا آتشی روشنایی بر روشنایی

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيُضِرُّ

راه نماید خدایه روشنایی هر که خواهد و بدید کند

اللَّهُ الْأَمْتَالُ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ

خدایه . راستاها مرمره طرا و خدایه همه

شَيْءٍ عَلَيْهِ فِي بَيُوتِ أَزْنِ اللَّهِ

چین دانایست در خانه های که دستوری داد خدایه

أَنْ تَرْفَحَ وَيَذْكُرَ فِيهَا اسْمَهُ

که بر داند آنرا و یاد کنند در آن خانه نام او

يَسْبَحُ لَهُ فِيهَا الْغَدَّ وَالْأَصْلَ

تسبیح کرد بر او در آن روز و شبانه

رَجَالًا لَا تُلْهِمُهُمْ تَجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ

مردانی مسخورتان از کار و نه خرید و فروش از

ذِكْرِ اللَّهِ وَأَقَامِ الصَّلَاةَ وَآتَا

یاد کرد خدایه و بپای داشتن نماز و داد

الزَّكَاةَ تَتَنَافُونَ يَوْمَ مَا تُثْقَلُ فِيهِ

زکوة می ترستند روزی که سبک می شود

الْقُلُوبَ وَالْأَبْصَارَ لِيَجْزِيَهُمُ

دلها و چشمها تا یاد اوست دهدشان

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَرْيَهُمْ

خدا به نیکوترین لایق گرداند و بیند ایشان

مَنْ فَضَّلَهُ وَاللَّهُ يَذُرُّهُمِنْ

آن که او را دوست دارد و خدا به روزی دهد هر کس را

يَشَاءُ بِخَيْرِ حِسَابٍ وَاللَّيْلُ

خواهد بوی حساب آنانی که

كُنْتُمْ أَكْثَرُ أَعْمَالِكُمْ كَسَابٍ بِقِيَمَةٍ

نکردیدند کردارها و ایشان چون کوراب بر زمین بموالت

تَحْسِبُهُ الظُّمَانُ نَارًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ

بندازد او را تشنه آب تا چون بیاید او را

مِنْ تَحْتِ شَيْءٍ وَهَذَا لِلَّهِ عِنْدَهُ

نمی یابد از زیر چیزی و بیاید خدا را نزدیک او

فَوَقَّعَهُ

فَوْقَهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بن تمام کند اول شمار او و خدا به زود بشمارد

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي تَخْرِجٍ يُخَشِئُهُ

یا چون تاریکیها در دریا بی زرق که ببوشد

مَوْجٍ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ

نهایت از زبر او نه آب از زبر او

سَحَابٍ ظُلُمَاتٍ بَعْضُهَا فَوْقَ

ابری تاریکها بهر آن زبر

بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ بِهَا

بهره چون بیرون دست خود می خواست بهر آنکه

وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ

وهر که نه کند خدای عز و جل نورانی بر او

مِنْ نُورٍ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخَرُ

هیچ روشنائی از پیوسته که خدای عز و جل می بخندد

لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

مراودا هر که در آسمانهاست و زمین

وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ

و پرندگان صفاورده هر یکی بدانشی بداند

صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ **وَاللَّهُ عَلِيمٌ**

نماز او و تسبیح او و مر خدا ابراست بادشاهی

بِمَا يَفْعَلُونَ **وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ**

بدلج میکنند و مر خدا ابراست بادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ **وَالِي اللَّهِ الْمَصِيرُ**

و زمین و رهوی خدای بازگشت امر بیفای

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ

که خدای می راند باهری را بر سر فراهم آرد

بَيْنَهُ ثُمَّ يُجْعَلُ رُكَامًا فَتَرَى

میان او بر بکند اول تو بر تو بسوی بینی تو

الْوَدَقِ تَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزِلُ

باران بزرگ قطره بیرون آرد از میان او و فرستد

مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ

از آسمان از کوهها در آن از

بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ

زاله برف بوساند آنرا هر که خواهد و بگرداند آنرا از

مَنْ يَشَاءُ يَكُارِ سَنَا بَرَقَهُ يَذْهَبُ

هر که خواهد طرقت خواست روشنائی در خورشید ببرد

بِالْأَبْصَارِ يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

روشنایی چشمها بگرداند خدای شب و روز

أَنْ فِي ذَلِكَ لَعِبْدَةٍ لَآوِلَى الْأَبْصَارِ

بلکه سستی در این هاینه نیک است هر که اولان بینا بجاورد

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ

و خدای از بندگی هر حیوان از آب

فَمِنْهُمْ مَنْ مَشَىٰ عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ
بعضی از ایشان آنکه بر شکم خود و از ایشان

مَنْ مَشَىٰ عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ
آنکه بر شود بر روی و از ایشان آنکه

مَشَىٰ عَلَىٰ أَرْبَعٍ تَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ
بر رود بر چهار پیاورد و خدای آنچه خواهد

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
که خدای بر هر چیزی تواناست

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ
بله سنجی که روشن نماید نشانها و خدا

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ
راهنماید هر که خواهد سوی راه

مُسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ
راست و میگویند ما بگوئیم ما بخدا

وَبِالرَّسُولِ وَأَطِيعُوا أَمْرَ رَبِّكُمْ

و به پیغامبر و فرمان بر دستم ما پس

فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا

گروهی از ایشان از پس آن و هستند

أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا دُعُوا إِلَى

ایشان گوییدگان و چون بخوانند ایشانرا

اللَّهِ وَرَسُولَهُ يُخْرِجُكُمْ مِنْهَا إِذَا

خدای و پیغامبر او تا حکم کند میان ایشانرا چون

فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُّخْرَضُونَ وَإِنْ

گروهی از ایشان روی گردانند باشند و اگر

يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ أَتَوْا إِلَيْهِ مُذِئْبِينَ

باشد مواساترا راستی بیایند سوی او کردن نهنگان

إِنِّي قُلُوبُهُمْ مَّرْضُ أَمْ أَنْتَ آتِي

اودم درها و ایشان بیماری گرفتار یا بشکر باشند

ثلث



أَمْ تَخَافُونَ أَنْ يَخِيفَ اللَّهُ

میایی ترسند که مستحق کند خدایه

عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بِأَوْ لَيْكَ هُمْ

بر ایشان زیعامیزاو بدک ایشان نیست ایشان

الظَّالِمُونَ إِنَّمَا كَانَ قَوْلُ

ستمکاران بدستقیم هست گفتار

الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ

گروندگان چون خوانده شوند متوجه خدایه

وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ

زیعامیزاو تا حکم کند میان ایشان میگویند

يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ

بگویند بشنیدیم و فرمان بردیم و ایشانند

هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ يَطِيعِ

ایشان استکاران و هر که فرمان برد خدایه

وَرَسُولَهُ وَتَخَشَّ اللَّهُ وَيَتَّقَهُ

و بیغما بر او را و ترسد از خدای و می‌ترسد از

فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ



پس ایشانند ایشان مرتکبات

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَمْعًا أَنَّهُمْ

و سوگند خوردند بخدای سزای سوگند از خود

لَيْسَ أَمْرُهُمْ لِيُخْرِجَنَّهُ قُلْ لَا

اگر بفرمانشان هر آنکه بیرون شود

تَقْسِمُوا بِطَاعَةِ مَخْرُوفَةٍ إِنِّي

سوگند می‌کنم محض فرمان برداری نیکی

اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا تَشْرُونَ قُلْ

خدای آگاه بلیغ میکند بگوای محمد

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

فرمان برید خدای و فرمان کنید بیغما بر او را

فَاتَّ تَوَلَّوْا فَاثْمًا عَلَيْهِ مَا حَمَلْ

بس اگر برگردید بس بدستنی بروست لایج برداشت

وَعَلَيْكُمْ مَّا حَمَلْتُمْ ط وَأَنْ تَطِيعُوهُ

و بر شماست بر شما نمند و اگر فرمان برید

تَهْتَدُوا ط وَمَا عَلَيَّ السُّؤْلُ

راه راست یابید و نیست بر پیغامبر الذین

إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ وَعَدَ اللَّهُ

مگر رسالت کند بیدل وعده کرد خلای

أَمْثَلًا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

بکر و بدند و بگردند بیکلیها

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُ فِي الْأَرْضِ ط مَا اسْتَخْلَفَ

بدستی که خلیفه کند ایشانرا در زمین جناتک خلیفه کرد

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ط وَأَيُّهَا الَّذِينَ

اینها پیش از ایشان و هرینه جای دهام

چینم

يَتَّبِعُوا الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلْيَسِّرْ لَهُمْ

دین ایشان آنک بسندت مرا ایشانرا و هر آنکه برکند
شان

مَنْ يَخْذُ خَوْفَهُمْ امَّا يَتَّبِعُوْنِي

از بس تو را ایشان از منی می برستند

لَا يَشْرِكُ فِيَّ شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ

که ایشان نیارند من چیزی و هر که کافر شد

بَعْدَ ذَلِكَ هُوَ لِكُلِّ هُمْ الْفَاسِقُو

بس این پس ایشانند ایشان تنباه کاران

وَافِيَهُمُ الصَّلَاةُ وَآتُوا الزَّكَاةَ

و بیای دارند نماز و بدهید زکوة مال

وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُو

و فرمان برید پیغامبر را تا مگر بخشنند

لَا تَشْتَرِ الدِّينَ كَفَرًا مَّعْجِيْنًا

کمان می فروشد از انا که نکروید عاجز آمدن کات

فِي الْأَرْضِ وَمَا فِيهِمْ النَّارُ وَلَيْسَ

زمین و جای ایستاست / آتش و هریزه

المَصِيرُ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ آمَنُوا

بازگشت جای ایہ انگلسا نکل ایمان اوراد ایل

اِيْمَانُكُمْ اَلْاَنْتِ مَلَكْتُ

درستوری خواهد از شما / آنانکه / بخیرید است

أَيُّهَا النَّاسُ وَالْأَنْبِيَاءُ لَا يَبْأُحُو الْخَلْمَ

در سنگها و شما و اما سنگ در سنگها و شما

منكم ثلاث مائة من

قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُو

پیش نماز با ملان و هتکام بنفید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الظَّالِمِينَ وَمِنَ

جامه خون از نماز پیشین یعنی راز

میانہ روز

بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ط ثَلَاثَ

بس نماز خفتن سه

عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ

شرم است مر شما نیست بر شما و بر ایشان

جَنَاحٌ بَعْدَهُنَّ ط طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ

باز پس این طواف کنند بر شما

بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ

همه شما بر همه همچنین

يَسِّرُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ ط

بیدار کند خدای مر شما نشانیها

وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ

و خدای داناست حکم کنند و استوار و چون برسند

إِلَى أَطْفَالٍ مِنْكُمْ الْحُمْرَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا

دکان از شما خوار یعنی بچگان هر کورند

كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْهُنَّ

جناح دستوری خواستند اما آنک از

قَبْلَهُمْ كَذَلِكَ يَتَّبِعُ اللَّهُ كَلِمَ

بیش از ایشان همچونین بیدار کند خدای مهربان

آيَاتِهِ وَاللَّهُ عِلْمٌ حَكِيمٌ

نشانهاش و خدای داناست حکم کننده

وَالْفَوَاحِشُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي

وزنان ازدهشده از زنان که از زنان

لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ

امید ندارند نکاح را پس نیست

عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ

برایشان بزنند که بپهنند

ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ

وَأَنْ يَسْتَغْفِرَ خَيْرٌ لَهُمْ

والاگر باک دامن کنند بهتر مرایشانرا

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وخلایق شنواست دانایا

الْأَعْمَىٰ وَلا عَلَى الْاِعْرَاجِ

نابینا و نه بر آنکه

حَنَجٌ وَلا عَلَى الْمَرِيضِ حَنَجٌ

بنده و نه بر بیمار بنده

وَلا عَلَى النَّفْسِ اِنْ تَأْكُلُوا

و نه بر تنهائ شما که بخورید

مِنْ بَيُوتِكُمْ اَوْ بَيُوتِ آبَائِكُمْ

از خانه های خود یا خانه های پدری خود

اَوْ بَيُوتِ اُمَّهَاتِكُمْ اَوْ بَيُوتِ

یا خانه های مادران خود و خانه های

سرازمه خویش یا خانهای خواهران خویش

یا خا تمای برادر بنی خود یا خا تمای

خواهر من از خویش یا خاتمه
برادر من از خویش

یا خاتمہ دار خواہر ان ماری با الحی واللہ شدید

خزینہ یاروست قیمت

بر شما بدو که بخورید همه

بایرکنز

بسم الله الرحمن الرحيم

عَلَى أَنْفُسِكُمْ حَيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ

بر پنهان خون علی و اول درودی از نزد

اللَّهِ مَبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ

خدای بابرکت پاکیزه همچنین

يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ

بیان کند خدای مرشدا نشانهها

لِحُكْمِكُمْ تَعْقِلُونَ إِنَّمَا آمَنَ مَنُؤُ

تا باشد که شما می افکند بدستی که گوید که

الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

آنکه ایمان آوردند به خدای و پیغمبر او

وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ

و چون باشند با او بر کاری

جَامِعٍ مُّزِيدُهُمْ حَتَّى يَسْتَأْذِنُوا

و از هم اند که ترفند تا دستور بدهند

اِنَّ الدِّينَ يَشَارُكَ نَفْسَكَ ^{له}

که انکساک دستور می کنند

اَوَّلِكَ الدِّينَ يَوْمَ تَوَاتَرَتِ ^ط **بِاللَّهِ** وَرَسُولُهُ ^{له}

ایشانند انکساک بگویند حکایت و بیخامبر او

فَاِذَا اسْتَارَ نَفْسَكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ

پس چون رستوری خواهد مرهم کار ایشان

فَاَزَتْ لَمْ يَشَيْءَ مِنْهُمْ وَاسْتَخَفَّ لَهُمْ

پس رستوری که مرهمی که خواهم از ایشان و امرش خواه

اللَّهُ اَيْتَ ^ط **اللَّهُ** غَفُورٌ رَّحِيمٌ

از خدای که خدای امرت که خدایند

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ

مکرانید خواند بیخامبران میان شما مجتوب

بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ ^ط **اللَّهُ** الدِّينَ

هر از شما هر یک را بداند بدانی بداند خدای انانک

تَنْدُرَ وَمَاتَ كَتُورٌ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

اشک را نکنند و لایق بنهان کنید بگوای محمد مکرر بگوای

يَخْضُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَتَخَفُظُوا

فرورکینند از چشمها و ایشان و مکرر بگوای

فَرَوْحُهُمْ ذَاكَ الْكَلِمَةُ آمَنَ اللَّهُ

عورتها و خورده این با کینه مومنان را که خلاص

حَبِيبٍ بِمَا يَضْرِبُونَ قُلْ اللَّهُمَّ

اکاهست بدلیج میکنند و بگوای محمد مکرر بگوای

يَخْضُضُ مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَتَخَفُظُ

فرورخوایند از چشمها و خون و مکرر بگوای

فَرَوْحَهُمْ وَلَا يَنْبَغُ زَيْنَتُ الْإِمَامِ

عورتها و خورده و اشک را نکنند از ایشان مکرر بگوای

ظَهَرَ مِنْهَا وَلَيْسَ بِتَشْجَرٍ

پیدا آید از آن و کورند سر عورتها و خویش

عَلَى جَنَاحَيْهِمْ لَا يَسُدُّونَ زَيْنَتَهُمْ

بر کمرها خویشتن و بیک نکلند ارایش خویشتن

إِلَّا لِبَعُولَتِهِمْ أَوْ أُمَّهَاتِهِمْ وَأَبَائِهِمْ

مگر مو شوهران خویشتن یا بزرگان خویشتن یا پدران

بَعُولَتِهِمْ أَوْ أُمَّهَاتِهِمْ أَوْ آبَائِهِمْ

شوهران خویشتن یا پسران یا بزرگان خویشتن یا خواهران خویشتن

أَوْ إِخْوَانِهِمْ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِمْ أَوْ بَنِي

یا زنان ایشان یا پسران یا بزرگان خویشتن یا فرزندان

إِخْوَانِهِمْ أَوْ نِسَائِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

خواهران خویشتن یا زنان ایشان یا آنچه

أَيْمَانُهُمْ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى

دستها و ایشان یا پسرانی که بزرگان جز خداوندان

لِلْأَقْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ

افزونی از مردان یا کودکان

المرء

الَّذِينَ لَا يَظَاهَرُونَ عَلَىٰ عَوْرَاتِ

انانی بیای نکردند بر عورتها

النِّسَاءِ وَلَا يَصْرِفْنَ أَمْوَالَهُنَّ

زنان و نزنند بیایها

لِيُحْمَلَ أَمْرُهُنَّ بِغَيْرِ عِلْمٍ

مادرانسته شود بندگان کنند از ایش خون

وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا

و توبه کنند همگی به سوی خدا همه ای که ایمان دارند

لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ وَأَنكحُوا إِلَىٰ آبَائِهِم

تا مگر شما برین کار شویید و بسویان دهید و به نیکان

مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ

از شما و نیکان از بندگان خود

وَأَمَّا بَكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَدًا يُغْنِيكُمْ

و برستاران خود اگر باشند درویشان توانگرند

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ **وَاللَّهُ** وَاسِعٌ

خداي از فضل خود و خداوند فراخ و عظامت

عَلَيْهِمْ **وَلَيْسْتَ خَفِيفٌ** أَنْتَ لَا تَجْدُونَ

دانا و گویا و بار سبکی کنند آنکه سبکی نمی یابند و نتوانند

بِكَأَحَاطَةٍ يُخَيِّرُ **اللَّهُ** مِنْ فَضْلِهِ

بکلی احاطه نماید و می یاراند که خداوند از فضل خود

وَأَنْتَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِنْ مَّا

و از آنکه می جویند کتاب از آنچه

مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَانَتْ قُرْآنًا

محرورید دستهای شما پس نویسد آن را

عِلْمًا فِيهِمْ خَيْرًا وَأَنْتُمْ مِنْ مَالِ

دانید در میان یکی و بدهید از مال

اللَّهُ الَّذِي آتَاكُمْ طَوْلًا لَا تُكَرِّهُوا

خداوند آنکه داد شما را و نه دشوار کنید

فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ فَيَوْمَئِذٍ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْدَنَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

تُهُمْ وَكَأَمْ يَسْتَغْتَبُونَ وَلَقَدْ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

خَذَرْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

الْقَرَارِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

وَلَيْتَ جِئْتُمْ بآيَةٍ أَيْقُونَكُمْ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ أَنْتُمْ لَآ مُبْطِلُونَ

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّكُمْ لَأَنْتُمْ لَآ مُبْطِلُونَ

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ

هَمَّانَتِ مَهْلِكُهُ خَلَايَ بِرِ الْفَعَالِ الْفَاعِلِ

لَا يَهْتَمُونَ فَا ضَرَبَاتٌ وَعَذَابٌ

لَهُ دَانَتْ بِسِ شَكِيَايَ كَيْتَ كَمْ فَوَيْلٌ

اللَّهُ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ اللَّهُ الَّذِي

خَلَايَ لَأَسْتَنْسِيتَ وَنَهْ سَبِيكَ أَرَادَ نَدْتَرِ أَمَانِكِ

لَا يُؤْتِقُونَ

بِيَكَمَانَتِ مَشُونَكِ

سُورَةُ الْأَنْعَامِ طَبَعُ وَطَبَعُ

فِي الْأَسْوَاقِ ^{لَوْ لَا} أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ

انك بازارها جزانه فرستاده سوي فرشته

فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرٌ ^{أَوْ يُلْقِي إِلَيْهِ}

بس باشد يا او بيم کننده يا افکنده شود سوي او

كَذَّبُوا فَكُنْ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ

كنجي يا باشد مراد بوستانه كه بخورد

مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا

از اين و گفتند ستمكاران بس

تَبْعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَشْهُورًا ^{أَنْظُرْ}

روي نم كنند مگر مردوي چارو كرده بدويولي محمد

كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ ^{هـ}

چگونه بديك كردند براي تو مانندها

فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

پس گمراه شدند - هر نتوانند رفتند راهي
روي راه افتادند

بِتَارِكِ الَّذِي أَنْشَأَ جَعَلَ لَكَ

بذلك است از خدا بجه که او خواهد بکند برای تو

خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي

بهتر از این بوستانها که بیرون

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَتَجْعَلُ لَكَ

از زیرات جویها و بکند

قُصُورًا مِنْ كَذِبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْنَدُ

کوسکها بک دروغ زن بقیامت و ساخته ایم

لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيدًا إِذَا

مهر که دروغ زن بقیامت است دروغ جوی

رَأَتْهُ مِنْ مَّكَانٍ عَنِيدٍ سَمِعُوا لَهَا

پیش بینند از جایگاهی دور شنوند صدای

تَغِيْطًا وَزَفِيرًا وَإِذَا الْقَوَا

او از زیرات و ناله کردی و جوت می کنند ایشانرا

سرها می

مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مَقَرًّا لِمَنْ دَعَا

از آن جایگاهی تنگ بیوستگان بخوانند

هَذَا لَكُمْ شُورًا لَّا تَدْعُوا الْيَوْمَ

اینجا هلاکی بخوانند از روز

بِشُورٍ وَاحِدٍ وَادْعُوا بُرُكًى كَثِيرًا

هلاکی کسی را و بخوانند هلاکی بسیار

قُلْ أَذْكَاءٌ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ

بگو ای محمد این بهتر یا بهشت جاودانه

الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ

آنکه وعده کردند مومنان بود مومنان

جَزَاءٌ وَمَصِيرًا لَّهُمْ فِيهَا مَا

پاداش و جای بازگشت مومنان است در آنجا

يَشَاوُنَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ

خواهند خلدواران هست بر خلدواران

وَعَدًا مَسْئُولًا وَيَوْمَ تَحْشُرُهُمْ

وعده بر سبک شایه دان روت کرد کنیم ایشانرا

وَمَا يَعْزُدُكَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

ولنج بی برستند از جنت خدایه

فَيَقُولُ أَنْتُمْ أَضَلُّتُمْ عِبَادِي

بیب بگوید شما بی راه گردید بندگان مرا

هَؤُلَاءِ أَمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ قَالُوا

این یا ایشان بی راه شدند از راه راست گویند

سُبْحَانَكَ مَا كَانَتْ يَبْغِي لَنَا أَنْ

باکی توای خداوند بود و نشاید ما را که

تَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ

بگیریم از جز تو از دوستان و لیکن

مَخْتَلَفَةً وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسْأَلَكَ

بر جور داری و ننداد ایشانرا تا فراموش فرات

کردانند و کانوا

وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا فَقَدْ

و بودند کوهی ملائکه بسوختی

كَذَّبُوكُمْ بِمَا يَقُولُونَ فَمَا

دروغ زن داشتند شما را آنچه میگویند بسوختی

تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا

توانستید تنهایی و نه یاری داد

وَمَا يَظِلُّكُمْ مِنْكُمْ نَذِيرٌ عَذَابِ

و نه که ستم کند از شما بخسایم اول عقوبت

كَبِيرًا وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

بزرگ و نه فرستادیم پیش از تو

مَنْ أَمْلَأَ سُلَيْمٍ إِلَّا أَنَّهُمْ لِيَاكُلُونَ

از پیغامبر است مگر که ایشان بی خوردند

الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ

خورش و می رفتند در بازارها

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً

وَبَكَرْتُمْ يَا مَعْشَرَ الشَّامِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكُمْ لَا تَتَّقُونَ

أَتَضَيَّرُونَ ط وَكَانَ رَبُّكَ

صَبُورًا كَنُفُوسُ الْغُلَامِ تَوَدُّ أَنْ يُقَاتِلُوا

بِجَنِّاتٍ

بَيْنًا

فَتَنًا
بَيْنَ يَدَيْكُمْ
تَوَدُّ أَنْ يُقَاتِلُوا
بِجَنِّاتٍ

و قد
کرد این حرف کلام محمد و روان محمد سو فی قوال لیا بید
باید متوجه آن کرد که این امر در جسد روح کار اضعاف بسیار دارد
مقدار و بر جسد کرم اندر ضرر و الماحاط من الحضر العالم مقصود الملک
مقصود الملک مقصود الملک هو ان ملک و ذلک در عالم حکما حصص نماید
و مقدار و مقدار الغنی کرم و در جسد الماحاط مقصود الملک مقصود الملک
طول و در جسد حمله خلفا صلا تا کاف اهل السلام بخوارند و اقوف
را بدعا را ایمان و در جسد و در جسد و قنفی صبح شرعی
تا هیچ کسی هیچ تا و ملی لریا و یلک شرعی مقد خود سازند
و تذکره و در هر نیکند و نه بخشایند و نه فریاد و بدل نیکند و نه
لریا و در هر نیکند و نه بخشایند و نه فریاد و بدل نیکند و نه
تا مگر حکم قوال لولا فمرد و بعدا سمع فانما اثمه علی
الذین بدلونه لریا و یلک شرعی عظیم لریا و یلک شرعی
قوت شرعی مولانا و موقوف و در جسد و در جسد و در جسد
تا مگر سانه تمام کرد اندک لریا و یلک شرعی عظیم لریا و یلک شرعی
میهان و در جسد

65

